

وسوسه‌های شیطان هنگام احتضار

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی*

مقدمه

مرگ سرنوشت حتمی همه ما انسان‌هاست و هیچ‌کس نمی‌تواند از آن فرار کند؛^۱ پس بر همگان لازم است برای سفری که سر در ابدیت دارد، آماده شوند و ضمن شناخت چالش‌های و گردنه‌های مسیر، خود را آماده کنند. یکی از مهم‌ترین گردنه‌های مسیر آخرت، حاضرشدن شیطان هنگام احتضار است. در این نوشتار بر آنیم با وسوسه‌های شیطان در این مرحله و راه‌های مواجهه با این وسوسه‌ها آشنا و خودمان را برای آن آماده کنیم.

مفهوم احتضار

احتضار از نظر لغوی به معنای غایب‌نبودن^۲ و در اصطلاح به معنای جان‌کندن^۳ و حضور اسباب و مقدمات مرگ است.^۴ به شخص در حال احتضار «محتضر» و «محضور» گفته می‌شود؛^۵ زیرا ملائک، معصومان، مرگ و ... نزد او حضور یافته‌اند. اوضاع محتضر از بعضی جهات شبیه انسانی است که به خواب عمیق فرو رفته است و خواب‌های عجیبی می‌بیند؛ نه بیدارانی که اطرافش هستند از مشهودات وی باخبرند و نه او می‌تواند در آن حال آنچه را می‌بیند، برای آنان توضیح دهد.^۶

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن

۱. نساء: ۷۸.

۲. مجلدالدین فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۱، ص ۵۳۴.

۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۷.

۵. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۱۴۰.

۶. ر.ک: محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، ج ۱، ص ۱۶۹.

برخی رخدادهای زمان احتضار

۱. رسیدن جان محتضر به گلو؛^۱
۲. ناامیدی دیگران از شفای محتضر؛^۲
۳. یقین محتضر به جدایی^۳ از دنیا، مال، اهل و فرزندان؛^۴
۴. جمع شدن ساق‌ها؛^۵
۵. دیدن فرشتگان؛^۶
۶. چشیدن سكرات مرگ؛^۷
۷. مرور سریع به تمامی عمر، اولاد، اعمال، دوستان و...؛^۸
۸. دیدن معصومان؛^۹
۹. دیدن بهشت و جهنم برزخی؛^{۱۰}
۱۰. حضور و وسوسه‌های شیطان. در ادامه این مورد توضیح داده می‌شود.

وسوسه شیطان

هنگام قرارگرفتن انسان در حال احتضار، شیطان با فرزندان و یاران خود بر بالین او حاضر می‌شوند و تلاش می‌کنند با حیل‌های مختلف، محتضر را راهی جهنم کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَخْضُرُهُ الْمَوْتُ إِلَّا وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِنْ شَيْطَانِيهِ مَنْ يَأْمُرُهُ بِالْكَفْرِ، وَيَشْكِكُهُ فِي دِينِهِ حَتَّى تَخْرُجَ نَفْسُهُ»^{۱۱} هیچ انسانی نیست مگر اینکه در هنگام مرگ شیطان، برخی از مأمورین خود را نزد او حاضر می‌کند تا وی را وسوسه کند و در دینش به شک اندازد و او را به کفر

۱. قیامت: ۲۶؛ واقعه: ۸۳ و ۸۷.

۲. قیامت، ۲۷؛ نیز ر.ک: عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۶۵.

۳. قیامت: ۲۸.

۴. اسماعیل حقی بروسوی، روح البیان، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

۵. قیامت: ۲۹.

۶. انعام: ۶۱؛ نحل: ۳۲ و ...

۷. ق: ۱۹.

۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۶ - ۲۰۷.

۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۶ - ۲۷ و ج ۶، ص ۱۸۱.

۱۰. یس: ۲۶؛ نیز ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹.

۱۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹۵.

بکشاند. این وسوسه ادامه دارد تا اینکه روح از بدن او خارج شود».

برابر روایات وسوسه شیطان به محتضر ادامه دارد تا اینکه روح از بدن او خارج شود. اگر ایمان محتضر سست و عاریه‌ای باشد، شیطان به آسانی آن را از او می‌گیرد و کافر از دنیا می‌رود؛ اما اگر محتضر از مؤمنان حقیقی باشد، شیطان نمی‌تواند بر او غالب شود و دین و ایمانش را بگیرد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

شیطان هنگام مرگِ مردی از دوستان [و شیعیان] ما حاضر می‌شود و از طرف راست و چپش وارد می‌گردد تا میان او و اعتقاداتش جدایی بیندازد؛ ولی خدا برای او آن [جدایی او از دینش] را نمی‌پسندد [و شیاطین را از کارشان باز می‌دارد]. و این است تفسیر آیه شریفه "خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به دلیل گفتار و اعتقاد ثابت‌شان، استوار می‌دارد هم در این جهان و هم در سرای دیگر".^۱

برخی از دام‌ها و روش‌های شیطان برای گمراه‌کردن انسان‌ها عبارت است از:

۱. دعوت به کفر و شرک

شیطان می‌داند کفر و شرک بدترین گناهی است که آدمی می‌تواند انجام دهد. بنابراین او که دشمن بزرگ بشریت است، سعی می‌کند انسان را در ورطه کفر و شرک غوطه‌ور و راهی جهنم کند. چنان‌که در روایت امام صادق علیه السلام به این مطلب اشاره شده بود.^۲

نشکن نمی‌گوییم

در خراسان فردی در حال احتضار بود. اطرافیانش به او گفتند: بگو «لا اله الا الله سبحان الله...»؛ ولی او پیوسته می‌گفت: «نشکن، نمی‌گوییم». پس از لحظاتی که به هوش آمد، علت را پرسیدند؛ گفت: ساعت مرا بیاورید. او ساعت را به دست گرفت و شکست، گفت: من در زندگی ام علاقه زیادی به این ساعت داشتم و همیشه آن را در جای ویژه نگاه‌داری می‌کردم. در حال جان‌کندن دیدم شیطان همین ساعت را به یک دست گرفته و در دست دیگرش چکشی دارد و به من می‌گوید: اگر «لا اله الا الله یا سبحان الله» را بگویی، ساعت را می‌شکنم؛ چون من هم بسیار علاقمند به آن ساعت بودم، راضی به شکستن نمی‌شدم؛ از این رو می‌گفتم «نشکن

۱. همان، ص ۱۸۸.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۹۵.

نمی‌گوییم.^۱

۲. شک و شبهه افکنی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شیطان هنگام مرگ همه انسان‌ها برخی از یاوران خود را نزد محتضر حاضر می‌کند تا وی را وسوسه کند و در دینش به شک اندازد».^۲

شبهه افکنی یکی از مهم‌ترین وسایل شیطان است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛^۳

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزو می‌کرد [و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می‌ریخت]، شیطان القاناتی در آن می‌کرد؛ اما خداوند القانات شیطان را از میان می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید و خداوند علیم و حکیم است.

بی‌شک افراد دارای قلبی راسخ و ایمانی کامل تحت تأثیر القانات شیطانی قرار نمی‌گیرند؛ ولی کسانی که قلبی بیمار دارند، در این ورطه شیطانی گرفتار شده و سقوط می‌کنند؛ از این رو خداوند پس از اشاره به اینکه شیاطین همیشه در برابر پیامبران و هدایت‌های آنها ایستاده و به شبهه افکنی می‌پردازند، تصریح می‌کند القانات شیطانی تنها در افراد بیمار دل و سنگدلان اثرگذار است: «لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ».^۴

بگو عیسی ابن‌الله

وسوسه‌های شیطان تنها برای مردم عادی نیست، بلکه دانشمندان را نیز دربر می‌گیرد. به زکریای رازی هنگام مرگش گفتند: بگو «لا اله الا الله»، می‌گفت نمی‌گویم. حالت غشوه‌ای به او دست داد. وقتی به هوش آمد، گفت کسی به نظرم آمد که می‌گفت اگر می‌خواهی سعادت‌مند شوی، بگو «عیسی ابن‌الله»؛ من گفتم نمی‌گویم. پس از اصرار زیاد گفت بگو «لا اله الا الله»، گفتم

۱. محمد محمدی اشتهاردی، پنجاهایی از تاریخ، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. محمدنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۶.

۳. حج: ۵۲.

۴. حج: ۵۳.

چون تو می‌گویی نمی‌گویم. حربه‌ای آمد و او را پرت کرد، حالا کلمه حقه را می‌گویم. آن وقت شهادتین را بر زبان جاری کرد و از دنیا رفت.^۱

۳. امامت‌گریزی

قبول نکردن امامت، برای جهنمی شدن شخص کافی است؛ از این رویکی از مهم‌ترین دام‌های شیطان این است که دست مؤمن را از دامان اهل بیت علیهم‌السلام کوتاه کند. در روایتی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «هر زن و مردی که در ظاهر با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بیعت کند، ولی در باطن آن بیعت را بشکند و بر نفاق خویش باقی بماند، هنگام قبض روحش، ابلیس و همکارانش نیز بر او متمثل می‌شوند و جهنم و عذاب‌هایش و بهشت و نعمت‌هایش را می‌بیند و عزرائیل به او می‌گوید: اگر بر ایمان و عقیده‌ات درباره‌ی علی علیه‌السلام ثابت می‌ماندی، این بهشت جایگاه تو بود؛ اما چون بیعت شکستی و مخالفت نمودی، اکنون جهنم و عذاب‌های گوناگون آن جایگاه توست». در این هنگام می‌گوید: «يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛^۲ ای کاش با رسول [خدا] راهی برگزیده بودم». ^۳ چنین شخصی باز هم انگشت حسرت به دندان گزیده و می‌گوید: «يا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛^۴ ای وای بر من، کاش فلانی را دوست خود انتخاب نکرده بودم». منظورش شیطان یا دوست بد یا خویشاوند گمراه است.^۵

۴. سوء استفاده از نقاط ضعف

انسان‌ها در دنیا نقاط ضعفی دارند که شیطان سعی می‌کند با استفاده از همان نقاط ضعف آدمی را گمراه کند. در روایتی می‌خوانیم: «انسان هنگام مرگ، زیاد تشنه می‌شود. شیطان از این فرصت برای گرفتن ایمان او استفاده می‌کند و ظرف پر از آب سرد و گوارایی را در دست گرفته و بر بالین انسان می‌ایستد و ظرف را حرکت می‌دهد. محتضر در حالی که شیطان را نمی‌شناسد، به او می‌گوید: مقداری از این آب را به من بده تا بیاشامم. شیطان از او می‌خواهد در عوض خدا را انکار کند. اگر جواب او را ندهد و صورت خود را برگرداند، شیطان از هر طرف پا ظاهر می‌شود و آن ظرف را حرکت می‌دهد. شخص مؤمن باز درخواست مقداری آب می‌کند. این بار شیطان

۱. عبدالحسین دستغیب، معاد، ص ۱۶ - ۱۷.

۲. فرقان: ۲۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸.

۴. فرقان: ۲۸.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۱.

از او می‌خواهد نبوت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار کند. اگر شخص ایمانش عاریه‌ای باشد، فریب می‌خورد و کافر از دنیا می‌رود؛ ولی کسی که سعادت شامل حالش شده [و ایمانش ثابت است] کلام شیطان را رد می‌کند و به او توجهی نمی‌نماید.^۱

۵. خصال ناپسند

خصلت‌های ناپسند و شیطانی مانند حسد، تکبر، دلبستگی به دنیا، عاق والدین و ... موجب سوءعاقبت و گرفتاری در دام شیطان می‌شود؛ پس انسان باید بکوشد این صفات ناپسند را از بین ببرد و به جای آنها خصلت‌های پسندیده را جایگزین کند.

قرآن نخوان

شخصی که به‌ظاهر اهل ایمان بود، مریض شد و در آستانه مرگ قرار گرفت. استادش «فضیل بن ایاز» برای عیادت نزد او آمده بود، برای وی سوره «یس» را قرائت کرد. شاگرد با دست به استاد اشاره کرد و گفت نمی‌خواهم قرآن بخوانی؛ بعد هم از گفتن شهادتین امتناع کرد و مرد. استاد از این جریان بسیار متعجب و اندوهناک شد، تا اینکه شبی او را در خواب دید و از او پرسید: تو که اهل مسجد و قرآن و درس بودی، چرا این‌گونه عاقبت به‌شر شدی؟ گفت: سه چیز در من بود که موجب بدبختی و سوءعاقبت شد: ۱. حسادت؛ ۲. سخن‌چینی؛ ۳. گاهی هم شراب می‌خوردم.^۲

روش‌های مقابله با وسوسه‌ها

روش‌های مقابله با شیطان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یکی آمادگی شخصی و اقدامات برای خودمان؛ دیگری وظایف ما برای دیگران (محتضر).

الف) آمادگی شخصی

اکنون که زمان احتضار ما فرا نرسیده است، می‌توانیم گام‌های مهمی برداریم تا زمان احتضار وسوسه‌های شیطان در ما کارگر نیفتد:
ای که دستت می‌رسد کاری بکن
پیش از آن‌کاز تو نیاید هیچ کار
این همه رفتند و مای شوخ چشم
هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار

۱. محمدنبی تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۷.

۲. عبدالحسین دستغیب، معاد، ص ۲۰.

وسوسه‌های شیطان هنگام احتضار ■ ۶۳

برخی از مهم‌ترین وظایف ما برای رهایی از وسوسه‌های شیطان هنگام احتضار به شرح ذیل است:

* تقویت ایمان

اگر کسی در این دنیا ایمان خودش را تقویت کرده باشد، به هیچ‌وجه شیطان نمی‌تواند او را بفریبد. چنان‌که خداوند می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛^۱

شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد. تنها تسلط او بر کسانی است که او را دوست می‌دارند و به رهبری و سرپرستی خود انتخابش کرده‌اند.

آری، کسی که در تمام مدت عمرش شیطان را ولیّی و سرپرست خودش قرار داده باشد، هنگام مرگ نیز شیطان از او دست‌بردار نیست.

* مواظبت بر نماز

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از نمازهای خود مواظبت کند و آنها را با شرایطش انجام دهد، هنگامی که شیطان برای گرفتن ایمانش نزد او حاضر می‌شود، ملک الموت آن ملعون را می‌راند و دور می‌گرداند و شهادتین را به او تلقین می‌نماید».^۲

* خواندن دعای عدیله

امامان علیهم السلام از شرّ عدیله (بازگشت حق به باطل و تبدیل ایمان به کفر) هنگام مرگ به خدا پناه می‌بردند. پس اگر آدمی می‌خواهد از وسوسه‌های یادشده شیطان در امان بماند، باید دلایل ایمان و اصول دین پنج‌گانه را با دلایل قطعی بداند و آن را در ذهن داشته باشد و خاطر خودش را پاک کند و این دعا را بخواند: «اللهم یا ارحم الراحمین، انی اودعتک یقینی هذا، وثبات دینی، و انت خیر مستودع، و قد امرتنا بحفظ الودائع، فرده علی وقت حضور موتی یا ارحم الراحمین».^۳

۱. نحل: ۹۹ - ۱۰۰.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲ ص ۴۵۵.

۳. فخر المحققین حلی، ارشاد المسترشدين فی اصول الدین، منتشر شده در: عقیده الشیعة، محمدرضا انصاری، ص ۶۸۰.

بزرگان دین توصیه می‌کنند بالای سر محتضر دعای عدیله بخوانید تا شیطان نتواند کار خود را انجام بدهد؛ البته خواندن این دعا در تمام طول عمر توصیه می‌شود. خواندن دعای عدیله مشهور نیز توصیه شده است.^۱

* دعا هنگام نماز شب

همچنین شایسته است هنگام نماز شب، در سجده شکر و دیگر مواقع اجابت دعا از خدا بخواهیم هنگام مرگ شرّ شیطان را از ما دور کند. برای نمونه امام کاظم علیه السلام بعد از نماز شب از شرّ عدیله در هنگام مرگ به خدا پناه می‌برد.^۲

* تکرار دعا

وقتی آثار احتضار آشکار شود، شایسته است محتضر این دعا را به طور مکرر بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَاقْبَلْ مِنِّي الْيُسْرَ مِنْ طَاعَتِكَ».^۳

ب) وظایف ما درباره محتضر

همان‌گونه که شیطان تمام تلاش خودش را برای بی‌دین کردن فرد محتضر به کار می‌گیرد، اطرافیان محتضر نیز باید همه تلاش خودشان را برای مقابله با شیطان انجام دهند. برخی از وظایف آنها عبارت است از:

* رو به قبله کردن محتضر

واجب است محتضر را به پشت بخوابانند و پای او را به طرف قبله کنند و اگر نمی‌توانند آن مقدار که ممکن است به این دستور عمل کنند.^۴

* تنه‌انگذاشتن محتضر

در این حالت خویشان و فرزندان نباید او را تنها بگذارند؛ چنان‌که مراجع معظم تقلید

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۵ (دعای عدیله).

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۸۱.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۶۱.

۴. رساله مراجع، مسئله ۵۳۵.

می‌فرمایند: «تنها گذاشتن محتضر و ... مکروه است»^۱.

* قرائت قرآن

شایسته است اطرافیان محتضر هنگام مرگ بر بالین او قرآن بخوانند؛ زیرا قرائت قرآن باعث دور شدن شیطان و راحتی جان‌دادن می‌شود. برابر فتوای مراجع تقلید مستحب است برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره‌های «یس»، «صافات» و «احزاب» و «آیه الکرسی»، آیه ۵۴ سوره «اعراف»، سه آیه آخر سوره «بقره» و هرچه از قرآن ممکن است بخوانند.^۲

* تلقین عقاید

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «شیطان ممکن است به صورت جد و پدر انسان درآید و بگوید: از مذهب و ایمان خود دست بردار؛ زیرا من هم بر این دین بودم و اکنون مرا به واسطه آن عذاب می‌کنند». سپس فرمود: «از این رو خویشان محتضر باید شهادتین را به او تلقین کنند و اعتقادات را به وی تذکر دهند؛ زیرا شیطان دشمنی آشکار برای انسان است».^۳ از این رو لازم است اعتقاد به توحید و صفات جمال و جلال خداوند و اقرار به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامت ائمه اطهار علیهم السلام و اعتقاد به معاد و بهشت و دوزخ و سایر اعتقادات را برای او بازگو نمایند و به وی تلقین کنند ...؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه یکی از شما بر بالین شخصی از کسان خود رفتید که مرگش فرا رسیده است، شهادتین را به او تلقین کنید».^۴ در روایتی دیگر آن حضرت می‌فرماید: «کلمات فرج، شهادتین و نام امامان یکی پس از دیگری را به محتضر تلقین کنید تا زمانی که سخن او قطع شود».^۵

* تلقین برخی دعاها

امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی را در وقت جان‌دادن مشاهده کردید، کلمات فرج را به او تلقین

۱. رساله امام خمینی رحمته الله علیه، مسئله ۵۴۰.

۲. رساله مراجع، مسئله ۵۳۹.

۳. محمدتقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۱، ص ۳۴۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹۵.

۵. همان، ج ۶۰، ص ۲۵۸.

کنید؛ یعنی لا إله إلا الله الحليم الكريم...^۱ همچنین مستحب است دعای «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ...»^۲ را به او تلقین نمایند.

دیگر آداب

شایسته است هنگام احتضار، چیز سنگینی بر بدن محتضر نگذارند و بودن جنب و حیض نزد او و همچنین حرف زدن زیاد و گریه کردن و تنها گذاشتن زن‌ها نزد او مکروه است.^۳

پایان سخن

سخن در وظایف مسلمانان درباره محتضر بود؛ ولی مسلمان‌نماها درباره فرزند پیامبر امام حسین علیه السلام چه کردند؟ عصر عاشورا وقتی امام روی زمین افتاد، هر کسی با هر سلاحی که در اختیار داشت ضربه می‌زد. امام حسین علیه السلام نقطه‌ای نزدیک خیمه‌ها را مقرر خود قرار داده بود و هر بار پس از دورکردن دشمن به آنجا بر می‌گشت و با صدای بلند ذکر «لا حول» را می‌گفت. اهل بیت علیهم السلام منتظر بودند بار دیگری صدای دلربای مولای خود را بشنوند که ناگهان صدای شیهه و همهمه اسب امام را شنیدند و همگی از خیمه‌ها بیرون دویدند. چه دیدند؟ «وَشِمْرٌ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ مُوَلِّعٌ سَيْفَهُ فِي نَحْرِكَ قَابِضٌ سَبِيَّتَكَ بِيَدِهِ دَائِبٌ لَكَ بِمَهْنَدِهِ وَقَدْ سَكَنْتُ حَوَاسُكَ وَحَمَدْتُ أَنْفَاسُكَ»^۴.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. انصاری قمی، محمدرضا، عقیده الشیعة، قم: دار التفسیر، ۱۳۹۵ ش.
۲. تویسرکانی، محمدنبی، لنالی الأخبار، قم: علامه، ۱۴۱۳ ق.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۲۲.

۲. رساله توضیح المسائل، مسئله ۵۳۷.

۳. رساله توضیح المسائل، مسئله ۵۴۰.

۴. محمداقصر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.

۴. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۵. دستغیب، عبدالحسین، استعاذه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۷ ش.
۶. _____ معاد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق.
۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، معاد از نظر روح و جسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله و دیگران، توضیح المسائل، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی [بی تا].